

در شماره اول این نشریه مقاله‌ای تحت عنوان
«حنیف» ترجمه از دائرة المعارف اسلام بقلم
آقای احمدی انتشار یافت و آقای احمد آرام
طی نامه‌ای که برای رئیس دانشکده فرستاده‌اند
در مورد آن ترجمه نظرات و ملاحظات ارزشمندی
اظهار داشته‌اند که با تشکر از ایشان و موافقت
آقای احمدی در اینجا به چاپ می‌رسد .

دوست عزیز

نشریه دانشکده علوم معقول و منقول مشهد مرحمتی سرکار رسید؛ بسیار
متشکرم. اتفاقاً به همین تازگیها مفصل کتاب «تاریخ قرآن» بسیار نفیس از هر
جهت سرکار را خوانده لذت برده‌بودم، و به همین جهت بسیار خوشوقتم که
فرصتی پیش‌آمد تا بتوانم به جنابعالی برای نوشتن چنین اثر گرانبها تبریک
بگویم .

و اما نشریه، الحق نسبت به سایر آثار چاپی دانشگاه مشهد مزایای فراوان
دارد و این البته به همت جنابعالی بوده است . و اینکه مرقوم فرمودید ضمن اعلام
از نظر خودم [البته می‌بخشید که به جای نظرات نظر نوشته‌ام] هم چیزی عرض
کنم، لازم بود به کاری پردازم: مقاله «حنیف» را با اصل آن مقابله کردم و چون
آقای احمدی توانایی در ترجمه دارند صواب آن دیدم که چیزهایی که به نظر من
رسیده به اطلاع جنابعالی و ایشان برسانم .

۱- نقطه‌گذاری مقاله خراب است (مثلاً سطر ۸ از پایین ص ۸۰، بعد از

- «شعر جریر» این علامت؛ را می‌خواسته‌است نه این علامت، را؛ و كذلك... .
- ۲- در س ۶ ص ۷۹ و س ۱ ص ۸۰، آیه‌ای از قرآن به صورت ۱۷ و ۱۹ آمده که معلوم نیست آیه چندم است. نویسنده در اصل به صورت ۱۷/۱۹ نوشته بوده است که معنی آن این است که در بعضی از قرآنها به شماره ۱۷ است و در بعضی دیگر به شماره ۱۹ و حق بود در چاپ فارسی هم همین ترتیب رعایت می‌شد.
- ۳- در س ۷ ص ۷۹ عوض ترجمه فارسی آیه از متن فرانسه حق بود خود آیه را بنا بر قراءت ابن مسعود می‌نوشت: «ان‌الدین عندالله الحنیفیه» به جای «ان‌الدین عندالله الإسلام».
- ۴- در س ۱۱ ص ۷۹ آنچه انتقادات ذهنی ترجمه شده درست نیست و معارضات یا مشاجرات عقلی درست تر است. ذهن در اینجا چه کاره است؟
- ۵- در س ۱۵ ص ۷۹، آن‌طور که مترجم نوشته چنین معنی می‌دهد که دین عیسی و دین مسیحی خراب شده دینهای پیشین است؛ ترجمه درست آنچه وات نوشته این است: ... طریق وحی رسیده است؛ منتهی در دینهای یهود و نصاری با گذشت زمان تحریفاتی پیدا شده است.
- ۶- س ۱۷، ص ۷۹ «استعدادهای فطری» درست نیست. در متن فرانسه برای آنکه کلمه فطرت که در آن زبان نیست کلمه‌ای نوشته است که معنی استعداد هم دارد و مقابل آن در پرانتز با عربی مکتوب به خط لاتینی «فطرت» نوشته است. بنابراین حق بود به جای استعدادهای فطری به سادگی «فطرت» نوشته شود. در مورد سطر دوم از پایین ص ۸۱ که در کنار «نمازمیگزارد» در پرانتز (صلوة) نوشته نیز همین کار نادرست شده است.
- ۷- س ۶ ص ۸۰ به جای «سالهای بعد از هجرت» باید «سالهای بلافاصله بعد از هجرت» ترجمه شده باشد.
- ۸- اول بند ۲ همین ص، علامت - بعد از عنوان «در استعمال اسلامی» کاملاً بی‌محل است.

۹- در همین سطر به جای «مفهوم قرآنی و درکی که» باید مفهوم ستایش-آمیز کلمه حنیف ترجمه شده باشد.

۱۰- س ۱۴ ص ۸۰، دایرةالمعارف برای معرفی کتابها قراری دارد که به همان ترتیب عمل می کند؛ ولی خوب بود مترجم اینجا توضیح بیشتری می داد و به جای «ابن هشام» می نوشت «سیره ابن هشام» و به جای ابن اسعد! یعنی ابن سعد] می نوشت طبقات ابن سعد و قس علی هذا.

۱۱- آنچه در سطر آخر همین صفحه «بندۀ ناچیز حنیف است محمد» ترجمه شده، بهتر بود به اصل رجوع می شد و عین گفته حلاج نقل می شد.

۱۲- پاصفحه ها: چرا Qur'an به صورت Qurān چاپ شده؛ حروف چینی به صورت درست کاملاً میسر بوده است.

۱۳- س ۳ ص ۸۱، جمله «حنیف علی الفطرة چیست» چرا به آن صورت ترجمه شده؟

۱۴- س ۷ ص ۸۱، نام آلمانی کوزگارتن به غلط کسگارتن شده و کلمه های آلمانی مطابق با هدلیات و نام این شخص، که در پاصفحه ای غلط چاپ شده است.
۱۵- س ۷ ص ۸۱، هدیلی ها [!]، جلد هجدهم [!]، فصل ۲ [!] . ظاهرآ باید هدیلیات، قصیده ۱۸، بیت ۲ بوده باشد.

۱۶- جمله ای که این کلمه در آن است غلط ترجمه شده و نامفهوم است؛ درست آن این است: «و نیز شاید چنین است در شعر صخر که در آن گفته شده است که عیسویانی که شراب می نوشند در اطراف يك حنیف جنجال به پا می کنند شعری منسوب به امیه بن ابی الصلت که در آن از دین الحنیفه به عنوان تنها دینی سخن می گوید که پس از قیام قیامت هم باقی خواهد ماند...

۱۷- س ۱۴ ص ۸۱ به جای «عیسویان پیوستگی می یابند» باید «عیسویان متحد می شوند» ترجمه شده باشد.

۱۸- س ۱۵ ص ۸۱ کلمه نکاند به عنوان دیوانی از جریر غلط بزرگی است . اگر کمی در خواندن دقت می شد معلوم می شد «نقائض» است .

- ۱۹- چنین است در سطر بعد «العبيد المتحنف» به جای «العابد المتحنف» .
- ۲۰- سطر آخر حاشیه هم به جای zur آلمانی sur فرانسه چاپ شده .
- ۲۱- س ۱۵ ص ۸۱، آیا به جای «فرد کافری از نجد» بهتر نبود «یکی از مشرکان نجد» نوشته شود ؟
- ۲۲- س ۵ ص ۸۲، به جای «اتیکیوس، برهان» بهتر نبود نوشته شود: «کتاب برهان، تألیف ائو توخیوس» ؟
- ۲۳- س ۸ ص ۸۲، باید ترجمه دوسلان نوشته شده باشد .
- ۲۴- س ۹ ص ۸۲، به جای «آشکار میکند» بهتر بود « دیده می شود» باشد .
- ۲۵- س ۱۶ ص ۸۲، ترجمه درست عبارت این است : «این عبارت ممکن است ناشی از مبارزات قلمی ضد اسلامی بوده باشد که استعمال قبلی سریانی نیز در تأیید آن سهمی به سزا داشته است» . احتمال ...
- ۲۶- س ۱۸ ص ۸۲، عیسوی [بوده است] که مسلمانها بطور کلی از [استعمال] این اصطلاح دست برداشته اند .
- ۲۷- س ۲ ص ۸۳، دو نقطه بعد از عنوان چه محلی از اعراب دارد. رك به س ۳ ص ۸۲ . جمله درست این سطر چنین است : «این واقعیت که محمد می توانست تصور کند که با پیروانش تابع ابراهیم حنیف هستند، نشان می دهد که ...»
- ۲۸- س ۱۹ ص ۸۳، «را» پس از «سابق الذكر» زاید است .
- ۲۹- س ۲۰ این جمله خبر ندارد. حق آن بود چنین نوشته شده باشد . و نیز [چنین است] شعر ذوالرمة (۰۰۰) [که] درباره يك حنیف
- ۳۰- س ۴ ص ۸۴، جمله بی ابتدای این سطر - از آن جهت که بعد از (۱۰) نقطه ختام لازم بوده و نیامده - چنین باید باشد : تأییدی برای این امر است استعمال کلمه حنیف و مشتقاتش در نخستین ترجمه های عربی از سریانی در مقابل کلمه سریانی حنیو [چرا حنیو با آن نقطه زیر h ؟] .
- ۳۱- س ۱۵ ص ۸۴ Barhebraeus ابن العبری است و کتاب «تاریخ به زبان

سریانی» یا چیزی شبیه به این که فعلاً حالِ مراجعه به مرجعی را ندارم تا بگویم درستِ درستش چیست. گویا «مختصر تاریخ الدول».

۳۲- پراتز آخرِ اولین سطر حاشیه این صفحه برای چه بوده است؟

۳۳- کلمه (مخصوصاً) داخل پراتز پایین این حاشیه و 9-6 سطر قبل از آن که هر دو مربوط به دو سطر پیش از این است خیلی بیجا تشریف آورده اند. «انجاث» هم گمان نمی‌کنم کتاب باشد به‌ظن قوی مجله‌ای است.

۳۴- س ۲ ص ۸۵، چرا glossaire که لغتنامه آخر کتاب است به فرهنگ لغات قدیم ترجمه شده؟

۳۵- س ۷ ص ۸۵، identification تنها معنی شباهت را ندارد؛ جمله این سطر باید چنین ترجمه شده باشد... آنها را به [نام] صابئین نمی‌توان خواند. بنا بر این با یکی دانستن حنیفیه با صابئین راه برای این کوشش باز می‌شود که از روی واقعیات مفهوم قرآنی حنیف شناخته‌شود؟ نقل دیگری از لغت حنفاء به معنی «کافران» از يك منبع عیسوی در کتاب یعقوبی ...

س ۱۰ ص ۸۵ شاول نیست و شاول است در زبان قرآن طالوت که حق بود همین یکی نوشته شود.

در سطر بعد هم لغت صموئیل درست نیست کتاب صموئیل است که یکی از اسفار تورات است.

س ۱۳ ص ۸۵ آخر این بند باید چنین باشد: (مراجعه شود به مقاله «الدین القویم» نوشته تئودور ابوقرة در مجله شرق).

۳۶- س ۱۵ ص ۸۵، اتیمولوژی فقه‌اللغه نیست؛ علم الاشتقاق است.

۷- س ۲ ص ۸۶ باید چنین اصلاح شود: ... و برخی از معانی ثانوی را بسط و تفصیل داده است [و اینجا نقطه نمی‌خواسته است!] و این کاری است که از لحاظ علم سمانتیک یا معناشناسی [یا دلالت الفاظ بر معانی] در جاهای دیگر بی سابقه نیست (مانند snob که در انگلیسی به معنی کسی است که بزرگی را به‌نسب یا مال یا عقل یا تربیت می‌داند و چون به‌زبان فرانسه آمده به معنی کسی شده که از مد

روز پیروی می‌کند) .

جاهای دیگر کتاب و از جمله مقاله صابئین را که می‌خواندم معلوم شد حروف لاتینی ایتالیک نیز در چاپخانه هست؛ بهتر بود در این مقاله هم نام کتابها با چنین حروفی چاپ می‌شد تا از نام مؤلفان متمایز باشد و این رسمی است که در اصل مقاله دائرةالمعارف اسلام هم مراعات شده بوده است .

ارادتمند احمد آرام

